

امسال به یاد ریحانه خون می سوزانیم و اسفندم روی آتش است



عکس:

فیروزه فروزانفر - روزنامه نگار

طراح دکوراسیون بود و مرتضی از او می خواهد برای انجام کار به دفترش مراجعه کند. ریحانه برای گفت و گو درباره کم و کیف کار به دفتر مرتضی می رود و پس از چند لحظه متوجه می شود که محل مورد نظر شباهتی به دفتر کار ندارد. مرتضی آب میوه ای به ریحانه تعارف می کند که آزمایشات پلیس نشان می دهد حاوی داروی بیهوشی بوده است. مرتضی در را قفل کرده و به ریحانه حمله می کند. دست هایش را دور کمر ریحانه گره کرده و با لحنی تهدید آمیز به دختر جوان می گوید: "راه فرار نداری". ریحانه که شدیداً "ترسیده است و خطر را در نزدیکی خودش می بیند با چاقو به کتف مرد که قصد تجاوز به او داشته می زند و فرار می کند. مرتضی در اثر خونریزی فوت می کند.

پس از چندی دختر جوان دستگیر می شود. کنترل مکالمات ریحانه جباری و مرتضی سرابندی اظهارات دختر جوان را تایید می کند که آنها قبلاً با یکدیگر آشنایی نداشتند و مرتضی جهت مسائل کاری با او در تماس بوده است.

پروانه حاجیلو هم بندی ریحانه می گوید: که این دختر جوان تحت فشارهای بازجویی و ضرب و شتم مجبور به اعتراف شده است. بعدها مشخص شد که مقتول از کارمندان رسمی یکی از ادارات دولتی است.

اما سوال اینجاست چرا باید ریحانه اعتراف به قتل سیاسی که از قبل برنامه ریزی شده است می کرده است؟! و چگونه در حالی که تمام مستندات حاکی از دفاع ریحانه از خود بوده چرا دختر جوان به اعدام محکوم شده است؟

در این میان مادر ریحانه جباری که تا به حال سکوت کرده با حکم اعدام دختر ۶۲ ساله و بی گنااهش روبرو می شود. شعله پاکروان مادر ریحانه که بازیگر و مدرس تئاتر است، دست به دامن افکار عمومی شده تا به کمک دختر جوانش بشتابند و فرزندش را از مرگ نجات دهند.

عبدالصمد خرمشاهی که وکیل پرونده است در گفت و گو با رسانه ها می گوید که حکم قصاص به وسیله شعبه ۴۷ کیفری استان به ریاست قاضی تردست صادر شد و ریاست قوه قضاییه با اجرای حکم قصاص موافقت کرده و حکم به اجرای احکام ارسال شده و قرار است جلسه صلح و سازش با خانواده مقتول برگزار شود. خانواده ای که تاکنون رضایت نداده است؛ ولی شاید با علنی شدن واقعیت و اصل ماجرا به وجدان خود مراجعه کرده و تغییر عقیده دهند. ریحانه از سال ۶۸۳۱ در زندان به سر برده و اتهام قتل را پذیرفته ولی اعلام نموده که به دلیل دفاع از خود مرتکب قتل شده است. دفاعی مشروع که هر یک از ما در موقعیت ریحانه قرار می گرفتیم چاره ای به جز مقاومت و عملی مشابه این دختر جوان نداشتیم.

در اینجا باید به ماده 625 قانون مجازات اسلامی در شرایطی که قتل به دلیل دفاع مشروع صورت می گیرد اشاره کرد که تصریح می کند: «قتل و ضرب و جرح هر گاه در مقام دفاع از نفس یا عرض یا مال خود مرتکب یا شخص دیگری واقع شود با رعایت موارد ذیل مرتکب مجازات نمی شود مشروط بر اینکه دفاع متناسب با خطری باشد که مرتکب را تهدید می کرده است» و در ادامه در ماده 627 همین قانون سه شرط برای تحقق دفاع مشروع مقرر شده است: «1- خوف برای نفس یا عرض یا ناموس مستند به قرائن معقول باشد. 2- دفاع متناسب با حمله باشد. 3- توسل به قوای دولتی یا هرگونه وسیله آسان تری برای نجات میسر نباشد.»

در این میان آنچه مسلم است در سراسر پرونده و روند دادرسی یک نفر همواره مفقود است و آن فرد کسی جز مقتول نیست. از تحقیقات

مقدماتی تا همه بازجویی ها تا صدور حکم، اعمال و افعال و قصد و انگیزه مرتضی سرابندی مفقود است. اینکه مقتول که از لحاظ سنی جای پدر دختر محسوب می شد و خلاف شئون حرفه ای و حیثیت خود دختری را به بهانه کار به دفترش دعوت کرده و به او حمله کرده است؛ دختری که اغفال این مرد متمول و صاحب چاپخانه و ذی نفوذ در او اثر نداشت و در مقابل خواست نامشروع او ایستادگی کرد. فردی که بر اساس شواهد و اسناد ضبط شده پرونده در روز وقوع قتل قصد رابطه جنسی با مقتول داشته است.

در پایان این سوال از بازپرس و ۲ معاون دادستان باقی می ماند که چرا در بررسی این پرونده به شهادت های همکار ریحانه "شاهرخ" و کارکنان شرکت تیراژه واقع در خیابان مطهری کوچه درفش پلاک ۲۵ توجه نکرده اند؟

چرا مکالمات موبایل دیگر مقتول بررسی نشده و اگر شده چرا به راحتی از این مکالمات گذشته اند و چرا در نهایت ریحانه مشمول قانون دفاع مشروع نشد و به اعدام محکوم شد. اعدامی که مادر ریحانه در آستانه سال نو در یکی از پست های فیس بوکی خود نوشت: «امسال به یاد ریحانه خون می سوزانم و اسفندم روی آتش است.»

برای حمایت از ریحانه طوماری اعتراضی تهیه شده است که می توانید با مراجعه به این لینک، آنرا امضا کنید:

<http://goo.gl/mwfQS1>
